

بررسی وضعیت مذاکرات هسته‌ای؛ امکان سنجی خروج از بن بست مذاکرات

از دانشگاه ویرجینیا تک آمریکا بپردازد. متن پیش رو گفتگوی محمد ربیعی، پژوهشگر مرکز مطالعات آمریکا با دکتر یوسف عزیزی است که در ادامه، می‌توانید آن را مطالعه کنید.

در ابتدای گفتگو، محمد ربیعی به مروری بر روند مذاکرات و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۱۵ تاکنون، پرداخت و بیان کرد: با توجه به توافق دولت روحانی در سال ۲۰۱۵، آمریکا دوباره مثل همیشه بدعهدی کرد و از برجام خارج شد. با آمدن دولت رئیسی، شاهد بودیم که سیاست افزایش روابط با کشورهای منطقه، در پیش گرفته شد و در کنار آن، برنامه احیای مذاکرات کلید خورد. طبق گفته امیر عبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم، ایران به دنبال مذاکره‌ای خوب و منطقی است که در آن، تمامی تحریم‌ها برگردانده شود و آمریکا، تضمین بدهد که دوباره از برجام خارج نشود و دوباره بدعهدی‌های گذشته را تکرار نکند. با این مقدمه، شما وضعیت کنونی مذاکرات برجام را به چه شکلی می‌بینید؟

خروج از برجام در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، باعث ازسرگیری مذاکرات دروین شد؛ اما این بار با روی کار آمدن ابراهیم رئیسی به عنوان دولت منتخب سیزدهمین دوره ریاست جمهوری، سیاست خارجی دولت نسبت به دولت قبلی تغییر کرد، به نحوی که برجام، در صدر اولویت‌های دولت قرار نگرفت و شاهد مراودات سیاسی دولت با کشورهای منطقه بودیم. در این میان، وزارت خارجه دولت سیزدهم با اشاره به این نکته که به دنبال یک توافق خوب و منطقی است، اعلام کرد که سیاست‌های اجرایی خود را منتظر برجام نخواهد گذاشت و اولویتش را منافع ملی کشور و مردم قرار داده است. از طرفی شاهد تنش‌های بسیاری میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا بودیم که مذاکرات را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. مجموعه این فعل و انفعالات، باعث شد تا مرکز مطالعات آمریکا در خصوص آینده مذاکرات برجام، به گفتگو با دکتر یوسف عزیزی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و دکتری سیاست‌گذاری

دکتر یوسف عزیزی در پاسخ به این سؤال، به بررسی و تحلیل روند مذاکرات از ابتدا تا کنون، پرداخت و بیان کرد: اولاً باید این را گفت که مذاکرات برجام، مورد نیاز آمریکا هم بوده و این طور نیست که فقط جمهوری اسلامی ایران، به آن نیاز داشته باشد. با توجه به شکست های مکرر و هزینه های انجام شده از سوی آمریکا در خاورمیانه، آمریکا مجبور است تا در زمان فعلی، تغییر رفتار بدهد و از هر زمان دیگری، بیشتر به مذاکرات نیاز دارد. موضوعی که در دولت قبل، با افتخار بیان می شد، این بود که اگر مذاکرات انجام نمی شد، جنگ رخ می داد که کاملاً اشتباه بود و برای عامه مردم مطرح می شد. در مذاکرات ۲۰۱۵، آمریکا تقریباً به حداکثر خواسته هایش رسید اما در مقابل، دستاورد جمهوری اسلامی ایران، گشایش های اقتصادی مقطعی بود و تنها به حداقل خواسته های خود در برجام رسید.

موضوع پرونده هسته ای تنها موضوع آمریکا در مذاکرات نبود و دلیل این پافشاری ها، هنر آمریکا در مذاکرات بود که قصد داشت، با ضروری جلوه دادن موضوع

پرونده هسته ای ایران، حداکثر فشار را به سمت ما وارد کند تا بتواند، به بیشترین خواسته هایش برسد. همان طور که دیده شد، نظارت های برنامه هسته ای ایران، به صورت ۲۴ ساعته و در هفت روز هفته با دوربین انجام می گرفت. تجربه ایران در این چهل سال، نشان می دهد که نمی شود همه مشکلات با آمریکا را به یک باره حل کرد و باید تک به تک، به موضوعات پرداخت. باید توجه داشت که مهم ترین مشکل و موضوع ایران در مذاکرات، مباحث اقتصادی و تحریم است و این امر از همه موضوعات دیگر، اهمیت بیشتری دارد. متأسفانه ما از مذاکرات برجام سال ۲۰۱۵ دولت قبل، به خوبی درس نگرفتیم و جنگ اوکراین، به خوبی برای ما درس عبرت نشد و برخی سیاست های اشتباه را تغییر ندادیم اما دیدیم که بسیاری از کشورهای منطقه از جنگ اوکراین، درس عبرت گرفتند.

محمد ربیعی با بیان این نکته که ما، یک بار چوب توافق را خورده ایم، لذا باید توافق برای

ما به گونه ای صورت بگیرد که نیازهای کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت ما، تأمین شود و مسئله مهم، نگاه ما بعد از مذاکرات است، به طرح این سؤال پرداخت که آیا مذاکرات فعلی در راستای تأمین شدن این اهداف، قرار گرفته است یا خیر؟

دکتر عزیزی در پاسخ به این سؤال افزود: این را باید دانست که بازی قدرت ها، عوض شده و نظم جدید بین الملل از یک قدرت تک هسته ای، تغییر کرده است و همان طور که دیده شد حتی با آمدن جو بایدن، مشکلات چین و آمریکا حل نشد. متأسفانه اعتماد عمومی مردم نسبت به حاکمیت، کم شده است که ما، باید آن را بازبینی کنیم و اشتباهات برجام گذشته، نباید دوباره تکرار شود. برجام ۲۰۱۵، قراردادی حداقلی و ضعیف برای ما بود. ما باید در داخل، نگاه اشتباه به سیاست های پولی و درآمدهای نفتی را تغییر دهیم. از نکات مثبت سیاست خارجه دولت رئیسی، باید به افزایش روابط با کشورهای منطقه اشاره کرد و مجموعه این ها، به ما نشان



گفتگوی اختصاصی با

یوسف عزیزی

دکتری سیاستگذاری عمومی-دولتی

دانشگاه ویرجینیاتک

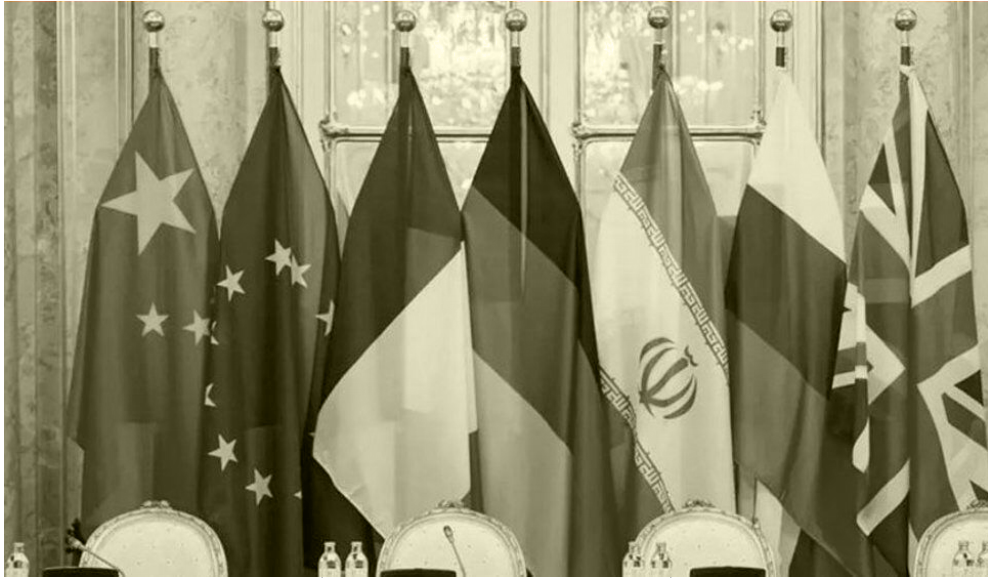
استفاده کنیم؛ به عنوان مثال، با ایجاد بانک توسعه در ایران و قرار دادن مبلغی، در صورت بدعهدی آمریکا، باید بتوانیم پول های بلوک شده را برداریم. همچنین، نباید با انجام توافق، تنها فروش نفت را افزایش دهیم بلکه باید تکنولوژی و علم انرژی را هم یاد بگیریم. کشورهای عربستان و آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی، با وجود هزینه های زیاد در منطقه، موفق نشدند که قدرت ایران را در آنجا کاهش دهند و او را حذف کنند که همین امر، باعث شده تا حتی نگاه کشورهای منطقه به ایران تغییر کند.

این موضوع-که در میان مردم عامه زده می شود- که ما هزینه

باید خارج از آمریکا انجام شود. خود ما در مذاکرات ۲۰۱۵، به دنبال تضمین نبودیم و باید از این موضع در مذاکرات فعلی، درس عبرت بگیریم. جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا صراحتاً به این موضوع اشاره کرد که قول نمی دهد، حتی خودش هم از برجام خارج نشود. باید این را بدانیم که اگر وارد برجام شویم، هر لحظه امکان خروج آمریکا از برجام، وجود دارد و اگر این تضمین خارج از آمریکا صورت بگیرد، ما باید استقبال کنیم، در غیر این صورت، تضمینی که تنها توسط آمریکا صورت بگیرد، ارزشی ندارد. در موضوع تضمین، باید از کارشناسان اقتصاد برای راهکار

می دهد که دولت با سیاست های اتخاذی خود، به دنبال تأمین این اهداف است.

در ادامه دکتر یوسف عزیزی در پاسخ به این سؤال که توافق خوب، چه نوع توافقی است و چه تضمین هایی باید داشته باشد که باعث شود، شرکت های بین المللی دوام بیاورند، پاسخ داد: تضمین دادن آمریکا با توجه با بدعهدی های گذشته، نمی تواند کافی باشد. شرایط داخلی و نوع تفکر سیاستمداران، قانون اساسی این کشور و عدم پاسخ گویی، از دیگر دلایلی است که نمی توان تضمین آمریکا را به تنهایی معقول دانست و اگر قرار است، تضمینی صورت بگیرد،



اما باز هم آمریکا، پرونده‌ای را به سازمان ملل ارائه کرد که هدف آن، تنها تحت فشار قرار دادن ایران در مذاکرات و گرفتن حداکثر امتیاز بود که در این باب، تصویب قانون مجلس حرکت مثبتی بود و ما با تصویب این قانون، محدودیت‌هایی را ایجاد کردیم. ایران در مذاکرات فعلی برای احیای برجام، این شرط را گذاشته است که باید پرونده‌های ادعای نظامی بسته شود و ما، تعهدات را در این صورت انجام می‌دهیم که این پرونده‌ها را ببندید. بازنگه داشتن این پرونده‌ها از سوی آمریکا، تنها یک دلیل دارد و آن هم برای افزایش فشار در مذاکرات

برای ما ضمانت باشد. حتی در اندیشکده‌های آمریکایی نیز بحث نظام چندقطبی مطرح است و از تعامل با ایران، حرف می‌زنند که همه این‌ها به دلیل قدرت‌هایی بوده که در میدان و منطقه، ایجاد شده است. همچنین، رهبر معظم انقلاب در سخنان خود در فروردین سال ۱۳۹۴^۱ فرمودند: ما درباره مسائل منطقه‌ای با آمریکا مذاکره‌ای نمی‌کنیم؛ هدف‌های آمریکا در مسائل منطقه‌ای، درست نقطه مقابل هدف‌های ما است. با توجه به این‌که بیشترین کنترل فعالیت هسته‌ای آمریکا در ایران است،

بالای نظامی می‌کنیم، کاملاً غلط است و اگر هزینه نظامی را با توجه به جمعیت، مساحت و دیگر فاکتورها در نظر بگیریم، به نسبت کشورهای دیگر حتی عراق، بسیار هزینه پایین‌تری انجام داده و توانستیم با این هزینه پایین، به موفقیت در منطقه برسیم. ما باید پرونده هسته‌ای را از موضوع منطقه، جدا کنیم و نباید احیای برجام را به منطقه گره بزنیم. مسئله میدان و منطقه را باید بیشتر از گذشته تقویت کنیم که آمریکا، جرئت نکند از توافق خارج شود. ما باید با سیاست‌های درست تا می‌توانیم دستمان را در منطقه پرکنیم که همین قدرت میدان، می‌تواند

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29236>



عملیات جاسوسی و اقتصادی بوده و بیشترین فشارها از ناحیه اقتصادی و تحریم است. بااین حال، اصلاح ساختار اقتصادی (بانک، بیمه و...) شرکت های دولتی، می تواند آسیب پذیری تحریم را کم کند که اگر برجام هم امضا نشد، آسیب کمتری بر مردم وارد شود؛ - افزایش رابطه با کشورهای منطقه و تقویت روابط سیاسی؛ - ما باید تهدیدات را به صورت مشخص داشته باشیم تا برای آن، راهکار ارائه دهیم.

مشاهده کردیم که بعد از امضای برجام ۲۰۱۵، بزرگ ترین قرارداد نظامی تاریخ آمریکا امضا شد و این که می گویند اگر برجام صورت نمی گرفت، جنگ می شد، حرفی عامیانه و اشتباه است. اسرائیل توان حمله و نابودی کشور ما را ندارد و تنها می تواند به صورت محدود، حملات هوایی به منابع هسته ای ما داشته باشد. درنهایت، ناظر به موضوع موردگفتگو، راهبردهایی از سوی دکتر یوسف عزیزی برای استفاده مسئولان، مطرح شد که به اختصار، عبارت اند از: - ابزارهای فشار آمریکا بر ایران شامل دیپلماسی، نظامی،

است. ایران باید این پرونده ها را حتی به شکل سیاسی هم که شده است، مختومه کند. دکتر یوسف عزیزی در پاسخ به این سؤال، با توجه به تنش های اخیر در منطقه غرب آسیا که بین ایران و رژیم صهیونیستی رخ داده است، آیا امکان جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی وجود دارد؟ این چنین پاسخ دادند: در موضوع جنگ، تنها عاملی که مانع می شود، بحث بازدارندگی است. متأسفانه در مذاکرات سال ۲۰۱۵ دولت روحانی، دیدیم که به اشتباه در افکار مردم، این ذهنیت را ایجاد کردند که اگر مذاکرات صورت نمی گرفت، جنگ می شد؛ اما